گزارش یک
مهدی پورصفا

چرا برنامه‌های توسعه کشور ناکام می‌ماند؟

طبقه «مدیران همیشگی»، آفت نظام اجرایی

شاید یکی از مهم‌ترین ریشه‌های مشکلات فعلی کشور در حوزه اجرایی را بتوان عدم‌چرخش در طبقه مدیریت میانی کشور و تمرکز بر برنامه‌های توسعه غیربومی دانست. شاید دوران فعلی نظام جمهوری اسلامی را بتوان به عنوان برهه‌ای از زمان در نظر گرفت که سؤالات اساسی درباره سرنوشت مسیری که کشور در حوزه‌هایی همچون اقتصاد، سیاست یا حتی روابط خارجی در حال طی کردن است، حتی در پایین‌ترین سطوح جامعه نیز به یک سؤال اساسی تبدیل شده است.

پس از ناکامی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در استفاده از برجام به عنوان یک کاتالیزور قوی برای بهبود برخی مشکلات کشور و خروج از رکود اقتصادی عملاً برای همه روشن شده که ادامه روند قبلی اداره کشور بر مبنای فروش نفت و تبدیل آن به ریال و متورم کردن ساختار اجرایی و اداری کشور به جایی نخواهد رسید؛ رویکردی که مقام معظم رهبری از آن به عنوان «بچه پولداری» نام برده و بارها خواستار تغییر رویه آن شده‌اند. جالب این است که ایشان یک بار به خاطره خود از سال‌های دهه ۷۰ اشاره کردند که در جلسه‌ای خواستار قطع اتکای کشور به درآمد نفتی شده اما با خنده برخی به اصطلاح تکنوکرات‌ها روبه رو شده‌اند.

واقعیت این است که برای بسیاری از معضلاتی که نظام جمهوری اسلامی در حوزه‌های گوناگون با آن روبه رو است، راه حل‌های جدی وجود دارد که حتی در سایر کشورها نیز به صورت واقعی امتحان خود را پس داده‌اند.

سؤال این است که اگر منشأ بسیاری از مشکلات فعلی شناخته شده و راهکارهای شناخته شده بسیار جدی برای بهبود آن وجود دارد، چرا اقدامات فراوان صورت گرفته به نقطه مطلوب نمی‌رسد یا اصلاً هیچ اقدامی صورت نمی‌گیرد؟

■ نگاهی به اشتباهات دولت سازندگی

جواب این سؤال به تحلیل همان بخشی از نظام برگردد که قرار است این راه‌حل‌ها را در بخش میانی و پایینی هرم مدیریتی کشور اجرایی کند.

طبقه‌ای که سال‌هاست فرمان اجرایی کشور را در اختیار دارد و اتفاقاً با عوض شدن دولت‌ها نیز هیچ تغییری در ترکیب آن ایجاد نمی‌شود. تنها در این میان شاهد عوض شدن مناصب و پست‌های مدیریتی هستیم. این طبقه حضور جدی در تمام شئونات نظام جمهوری اسلامی دارد و البته یکی از نمادهای جدی آن فعالیت حزب کارگزاران سازندگی در صحنه سیاسی است که آن را بخشی آشکار از یگ کوه یخی با ابعاد پنهان فراوان دانست.

این طبقه اگرچه هم اکنون بسیار پیچیده عمل می‌کند و حتی ادعا می‌شود ارتباطات گسترده‌ای با محافل سیاسی و امنیتی خارج از کشور دارد، اما سیر تکمیل و تبدیل شدن آن به چنین غولی کاملاً آشکار است. زمانی که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید، بخش بزرگی از مدیران قدیمی سیستم اقتصادی کشور یا حذف شدند یا به خارج از کشور مهاجرت کردند.

جای این مدیران را طیفی از جوانان انقلابی پر کردند که با تجربه‌ای پایین توانستند معضلات فراوان حاصل از تحمیل یک جنگ هشت ساله توسط رژیم بعثی را مدیریت کنند.

با این حال پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی و تلاش سریع دولت هاشمی برای تبدیل کردن اقتصاد کشور به یک سیستم رقابتی و سرمایه داری که حتی زمینه‌های اجرای آن نیز وجود نداشت، شوک بزرگی به مدیران جوان که حالا نزدیک به ۱۰ سال از عمر مدیریتی آنها می‌گذشت، وارد کرد.

علی کاردر از مدیران نفتی قدیمی وزارت نفت با اشاره به خاطرات خود از اواخر دهه ۶۰ به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: سخنان آقای هاشمی در خصوص تجمل گرایی در مدیریت دولتی در نماز جمعه شوک بزرگی برای تمام مدیران انقلابی بود که در جنگ تحمیلی به دنبال خدمت به کشور بودند. ناگهان بسیاری از بچه‌ها تمام عقاید خود را رها کردند و به دنبال پول درآوردن صرف رفتند.

اگرچه هنوز انگیزه‌های هاشمی رفسنجانی و مبانی فکری وی به درستی شناخته نشده اما به نظر می‌رسد تلاش برای ساماندهی اقتصاد بر اساس موج اقتصاد آزاد که در اواخر دهه ۸۰ میلادی تمام دنیا را فرا گرفته بود، بخشی از آن باشد.

در کنار این حفظ نظام جمهوری اسلامی در حوزه اقتصاد با تشکیل یک طبقه متمول که با افزایش درآمدهای خود به دنبال ایجاد براندازی در داخل کشور نباشند نیز بخشی دیگر از انگیزه اصلی چنین سیاستی را تشکیل می‌داد. مجموعه این عوامل منجر شد که عملاً اقتصاد کشور در اواخر دهه ۶۹ و همچنین دهه ۷۰ شمسی چهار نعل به سمت ایجاد نوعی اقتصاد سرمایه‌داری بدون در نظر گرفتن الزامات آن حرکت کند.

نتیجه این سیاست را هم اکنون می‌توان به صراحت در کشور دید. فساد گسترده‌ای که در کشور سبب بدبینی مردم به صلاحیت نظام در حوزه بهبود اقتصادی آنان شده نتیجه مستقیم چنین سیاستی است.

بسیاری از مدیرانی که با استفاده از رانت‌های دولتی اقدام به غارت منابع ملی کشور کردند و به خارج از مرزها متواری شدند، متعلق به همین طبقه مدیران حرفه‌ای هستند که از اواخر دهه ۶۰ به طور کامل دچار استحاله شدند. بحث دو تابعیتی بودن مدیران کشور را می‌توان به نشانه‌ای از پیوند همین طبقه با خارج از کشور دانست. هم اکنون دوتابعیتی بودن مدیران به دغدغه‌ای جدی برای کشور و همچنین دستگاه‌های امنیتی تبدیل شده و مجادلات فراوانی نیز در دولت و قوه قضائیه بر سر آن صورت گرفته است.

جالب این است که اخذ این تابعیت دوم نیز اغلب به مدد فرصت‌های کاری و مدیریتی بوده است که از طریق نظام جمهوری اسلامی در اختیار مدیران فوق قرار گرفته است.

با درک این مسئله با قاطعیت می‌توان گفت که مشکلات داخلی کنونی ما که سبب سؤالات جدی در خصوص کارایی نظام شده محصول امروز و دیروز نیست و حاصل انباشت ۴۰ سال عملکرد در حوزه «توسعه» است بدون اینکه این مفهوم (توسعه) مدنظرمان باشد. عقبه‌اش هم می‌رسد به سیاستگذاری‌هایی که اصل چهار ترومن و سازمان برنامه پس از جنگ جهانی دوم در ایران شروع کردند. با «انقلاب سفید» در دهه ۱۳۴۰ ش. انگاره‌های فعلی و تصورات یا تخیلات ما درباره «توسعه» شکل گرفت و در جریان انقلاب به دلیل برخی شرایط مانند جنگ فرصت توجه کافی به آن نشد. زمان آقای هاشمی رفسنجانی همان برنامه‌های زمان شاه احیا و به شالوده سیاست‌های توسعه ما تبدیل شد.

شاید برای نمونه کافی باشد که به بحران آب اشاره کرد. بحران آب در ایران زمانی شکل گرفت که در دهه ۴۰ شمسی بحث توسعه کشاورزی با استفاده از سدسازی‌های گسترده و حفر چاه‌های آب به سیاست اصلی توسعه کشاورزی کشور تبدیل شد.

پس از پایان جنگ نیز همین سیاست با قوت ادامه پیدا کرد و ما به بزرگ‌ترین سد ساز دنیا تبدیل شدیم. حالا و پس از سال‌ها مشکلات زیست محیطی ناشی از اجرای همین سیاست سبب شده ما با یک ابربحران در حوزه آب روبه رو شویم.

■ جبران گذشته با توسعه بومی

برای حل این معضل اولین اقدام ما باید این باشد که به دنبال یک مفهوم بومی از بحث توسعه بر اساس داشته و نیازمندی‌های خود باشیم؛ بحثی که سایر کشورها حتی کشورهای پیشرفته دنیا آن را به صورت جدی آغاز کرده‌اند و دهها سال است در حال کار کردن روی آن هستند.

در شرایطی که دشمن بر اساس محاسبات خود به صورت جدی به دنبال ایجاد شکاف بین حاکمیت و مردم است، تدوین یک برنامه توسعه درون زا با استفاده از توانمندی‌های مردمی اولین وظیفه برای تمام نخبگان باشد. در وهله دوم نیز باید به این نکته توجه کرد که باید اقتصاد و مدیریت کشور از انحصار یک طبقه و عده خاص خارج شود و به صورت جدی مردم در آن مشارکت کنند؛ نکته‌ای که از سوی مقام معظم رهبری در جلسه سخنرانی بین مدیران نظام مورد تأکید قرار گرفت. ایشان در این جلسه «اقتصاد مردمی» و ورود واقعی مردم به عرصه اقتصاد را کاملاً ضروری خواندند و افزودند: اقتصاد دولتی جواب نمی‌دهد و همان گونه که بارها گفته‌ام باید سیاست‌های اصل ۴۴ جدی گرفته شود و بخش خصوصی را وارد میدان کنیم.

شاید اگر ۲۰ سال پیش چنین تصمیمی گرفته می‌شد شرایط بهتری برای کشور در پیش بود، اما حالا هم برای جبران گذشته دیر نیست.

لاریجانی: علیه فشار امریکا برنامه داریم

بهارستان

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: برای جلوگیری از فشار وارده از اقدامات امریکا به مردم برنامه داریم.

به گزارش مهر، علی لاریجانی روز پنج شنبه در همایش بزرگداشت قیام ۱۵ خرداد در شهرستان ورامین طی سخنانی با اشاره به قیام مردم این منطقه در ۱۵ خرداد گفت: حرکت امام(ره) به واقع پشت امریکا را شکست و زلزله بزرگ سیاسی بود، این برای مردم ایران افتخاری است که در غوغای دیکتاتوری بین‌المللی که امریکایی‌ها در دنیا به راه انداختند، یک کشور مانند ایران وجود دارد که زیر بار این زور نرفته و پاسخ منفی به این ادعا می‌دهد، زمانی که خود را با کشورهای بزرگ‌تر، پولدارتر و پرجمعیت‌تر مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که جرئت ندارند، پاسخ رئیس جمهور امریکا را وقتی چیزی از آنها می‌خواهد، ندهند، این عزتمندی برای ملت ایران است که ایستاده و جواب محکم به آنها می‌دهد.

وی ادامه داد: اگر ستیز با ملت ایران دارند به دلیل روحیه ایستادگی و غیرت ملی و دینی و انقلابی ملت ایران است، بهانه‌گیری می‌کنند، اما دغدغه آنها این بهانه‌ها نیست، آنها به خوبی می‌دانند، ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، مشکل آنها ایستادگی ما در برابر امریکاست، می‌خواهند در افغانستان، عراق و... گروه‌های تروریستی ایجاد کنند و امنیت ما را به خطر بیندازند، اما رهبران سیاسی ایران ورزیده هستند و جلوی آنها را می‌گیرند، ماجراجویی آنها در مسئله هسته‌ای بهانه است، درد چیز دیگری است.

رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: خود اینها تقاضای مذاکره با ایران سر مسئله هسته‌ای را داشتند، چند بار هم تقاضا و سلطان قابوس را واسطه کردند، ایران شرط‌هایی گذاشت و پذیرفتند و ما نامه رئیس جمهور امریکا را مبنی بر پذیرفتن حق غنی‌سازی ایران داریم و پس از پذیرفتن این شروط مذاکره انجام شد.

وی سپس بر استقامت ملت ایران تأکید کرد و گفت: باید کلید اقتصاد را به دست مردم داد، امروز، روز اختلافات جزئی نیست، باید جریانات و گروه‌های سیاسی و افراد مؤثر در کشور مردم را برای ایستادگی همدل کنند، محور این ایستادگی تولید و اقتصاد کشور است.

امسال برای توسعه روستاها منابعی در بودجه دیده شده است، البته متناسب با شرایط فرآیندهای تصمیم‌گیری را عوض کردیم که از رفتار ناصواب امریکایی‌ها به مردم فشاری نیاید، برای کالاهای اساسی مردم فکر شده و ظرفیتی به وجود آمده که به تولید داخل توجه کنیم و به همین نیروی انسانی تحصیلکرده خود توجه کرده و امکانی فراهم کنیم تا تولید داشته باشند، در پس این سختی‌ها یک بلوغ سیاسی برای کشور به وجود آمده است، رهبری وظیفه ما را مشخص کرده‌اند و آن توجه به تولید داخل است.

گزارش ۲
سعید همتی

چرا نظام سلطه در رویارویی با ایران به هسته‌ای قناعت نمی‌کند؟

توطئه‌های گسترده علیه قدرت منطقه‌ای ایران

«نفوذ معنوی» ایران در منطقه غرب آسیا، مهم‌ترین دغدغه نظام سلطه می‌باشد و طراحی‌ها و توطئه‌های چهار دهه اخیر کشورهای غربی و درخواست‌های رسمی آنها مبنی بر «تغییر رفتار ایران در عرصه بین‌المللی» در راستای چنین هدفی قابل تفسیر است.

«تحریک و تقویت یک جریان سیاسی در داخل کشور»، «همپیمانی با شیوخ مرتجع منطقه جهت توسعه اقدامات ضدایرانی»، «گسترش دامنه ایران‌هراسی در سطح سازمان‌های بین‌المللی نظیر شورای امنیت»، «متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به نقض حقوق بشر و نقض صلح و امنیت بین‌المللی»، «تلاش جهت بی‌اعتبارسازی نظام اسلامی در داخل مرزهای کشور» و دهها طرح و اقدام دیگر نظام سلطه با هدف تضعیف جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه کاهش نفوذ ایران در عرصه منطقه‌ای می‌باشد.

رویکرد و مواضع بسیاری از سیاستمداران غربی چنین مسئله‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهد که نفوذ معنوی جمهوری اسلامی ایران، منافع کشورهای غربی و به ویژه امریکایی را با خطرات جدی روبه‌رو ساخته و این باور را در میان مردم غرب آسیا نهادینه کند که امریکا و سیاست‌های این کشور، ناامنی و فقر را برای آنها به ارمغان آورده است و مقابله با سیاست‌های غربی‌ها را به عنوان یک اولویت راهبردی تلقی کرده‌اند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حداقل طی پنج سال اخیر دهها بار به این مسئله اشاره داشته‌اند که دشمنی غرب و به ویژه امریکایی‌ها با جمهوری اسلامی ایران در یکی دو حوزه هسته‌ای و موشکی خلاصه نمی‌شود بلکه دشمنی آنها با اصل نظام و استقلال جامعه ایرانی است کمااینکه ایران توانسته با اتخاذ چنین رویه‌ای بسیاری از سیاست‌های امریکا در منطقه را به چالش کشاند و تحقق بسیاری از اهداف این کشور در منطقه غرب آسیا را به اهدافی دست نیافتنی تبدیل کند.

در مقابل جماعتی در داخل کشور تلاش داشتند چنین نگرشی را غیر واقعی جلوه نمایی کرده و سازش با غرب را حاوی دستاورد و پایان دهنده منازعه میان نظام سلطه و جمهوری اسلامی ایران عنوان می‌کردند. در طول ماه‌های گذشته و برای تحت فشار قرار دادن حاکمیت اسلامی تئوری پردازان و رسانه‌های پرتعداد این جریان معامله بر سر پرونده هسته‌ای را نشان دهنده حسن نیت جمهوری اسلامی ایران! و پایان دهنده نزاع میان غرب با ایران عنوان می‌کردند این در حالی است که گفته‌ها و نوشته‌های غربی‌ها چنین مسئله‌ای را رد می‌کند؛ چراکه در طول یک هفته می‌توان چند سخنرانی یا مقاله را مشاهده کرد که طی آن «نفوذ معنوی ایران» عامل دشمنی غرب با جامعه ایرانی عنوان شده است.

■ هدف امریکا جلوگیری از بسط نفوذ ایران

نیکی هیلی نماینده امریکا در سازمان ملل در گفت‌وگو با شبکه خبری سی. بی. اس. یکی از مهم‌ترین اهداف امریکای دولت ترامپ را همانند بسیاری از سیاستمداران این کشور «جلوگیری از بسط نفوذ ایران در غرب آسیا» عنوان کرده و می‌گوید: «ما می‌خواهیم مطمئن شویم که منطقه زیر سایه نفوذ ایران نمی‌رود؛ آنها دائماً در منطقه مشکل‌سازی می‌کنند و ما می‌خواهیم مطمئن شویم که این (روند) متوقف می‌شود.»

آروتز شوا یکی از رسانه‌های صهیونیستی است که در هفته اخیر در تحلیلی با عنوان «بحث‌های مطرح شده حول محور برنامه هسته‌ای ایران، چیزی جز یک بهانه برای محدودسازی نفوذ تهران در منطقه غرب آسیا نیست» به شروط دوازده‌گانه پمپئو اشاره کرده و می‌نویسد: «اکثر این شروط، ربطی به برنامه هسته‌ای ایران نداشت بلکه برای مقابله با نفوذ و قدرت هژمونیک روزافزون این کشور در خاورمیانه [غرب آسیا] و حمایت ایران از سازمان‌های تروریستی از طریق نیروهای سپاه قدس بوده است.» آروتز شوا، با تأکید بر اینکه پمپئو پیش از ارائه این درخواست‌ها از ایران، روشن ساخته بود که هدف واقعی از ارائه این لیست، فشار حداکثری به جمهوری اسلامی در منطقه است، می‌نویسد: «سخنان وزیر خارجه امریکا نشان می‌دهد که واشنگتن به دنبال تحمیل فشار اقتصادی بر ایران است تا از ادامه فعالیت‌های این کشور در منطقه جلوگیری کند. پمپئو با اشاره به تحریم‌های جدید، تصریح کرده که وزارت خارجه امریکا با وزارت دفاع و متحدان منطقه‌ای همکاری نزدیکی خواهد داشت تا ایران را متوقف سازد.» این رسانه صهیونیستی در ادامه به حملات هوایی اخیر امریکا و اسرائیل به مواضعی در سوریه پرداخته و می‌نویسد که غربی‌ها از قدرت گرفتن ایران در این کشور نگرانند و تلاش دارند به هر صورتی که شده سپاه قدس و حزب الله لبنان را به عقب برانند.

■ بروکینگز: عراق را در «سینی نقره‌ای» به ایران پیشکش کردیم

بروس ریدل نیز در اندیشکده بروکینگز در تحلیلی می‌نویسد: «ایرانی که قبلاً تحت حمله عراق منزوی شده بود توانست زمینه تاسیس حزب الله را ایجاد کند. پس از دو دهه اکنون حزب الله توانست به طور کامل اسرائیل را از جنوب لبنان بیرون براند و هیمنه ارتش اسرائیل را در جنوب لبنان تخریب کند اما این فاجعه دیگری را ایجاد کرد که امریکا درگیر جنگی شده است که هنوز نمی‌تواند از آن رهایی پیدا کند و علاوه بر اینکه هیچ صلحی هم بین اسرائیل و عراق شکل نگرفت، در عوض ایران به یک بازیگر برجسته در ساختار داخلی عراق تبدیل شد.» این اندیشکده در ادامه می‌نویسد: «سعودی‌ها بر این تأکید کردند که تهاجم امریکا به عراق و سرنگونی صدام حسین؛ عراق را در یک سینی نقره‌ای تقدیم ایران کرد. ایران به قدرت برجسته در عراق تبدیل شد و این بار سعودی‌ها هشدار داده بودند که امریکا با جنگ علیه صدام؛ عراق را در یک سینی نقره‌ای به ایران پیشکش و زمینه توسعه نفوذ ایران در هلال بارور را فراهم کرد. ایران با استفاده زیرکانه از کارت‌های بازی خود توانست بخش بزرگی از اهداف خود برای کسب هژمونی منطقه‌ای را طی سال ۱۹۸۲ و ۲۰۰۳ تأمین کند.»

■ حمله به سوریه، مشکل افزایش نفوذ ایران را حل نمی‌کند

بعد از حمله نظامی امریکا به سوریه در ماه اخیر نیز بن شبت مشاور امنیت داخلی رژیم صهیونیستی هشدار می‌دهد که این حمله مشکل بزرگ‌تر یعنی «افزایش نفوذ ایران در سوریه» را حل نمی‌کند. وبگاه «عروتص شوع» مشکل بزرگ‌تر را «حضور نظامی و افزایش نفوذ ایران در سوریه» عنوان می‌کند. محمد بن سلمان نیز که چند هفته‌ای است نتوانسته در مقابل دوربین‌ها حضور پیدا کند در گفت‌وگو با مجله «تایم» می‌گوید: «نیروهای امریکایی نه برای درازمدت بلکه باید دست کم برای میان‌مدت در سوریه بمانند تا مانع نفوذ بیشتر ایران در این کشور شوند.» اظهارات و موضع‌گیری از این دست به خوبی نشان می‌دهد که اصل دشمنی امریکا با جامعه ایرانی در مصادیقی مانند هسته‌ای محدود نمی‌شود چراکه ماهیت و رویکرد جمهوری اسلامی ایران منافع غرب را با مخاطرات جدی روبه‌رو ساخته است و غرب برای رهاشدن از چنین بن بستی تلاش کرده از نفوذ معنوی ایران جلوگیری و تحدید فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران را به درون مرزهای خودی کلید زده و موازی با آن زمینه فروپاشی سیاسی را در حاکمیت اسلامی فراهم کند.

دنیای مجازی

■ طعنه به سردرگمی‌های یک مشاور

دکتر عبدالله گنجی در توئیتی طعن‌آمیز به یکی از مشاوران آشنای دولت نوشت: بعضی وقت‌ها مشاور حوزه مشاوره‌اش را گم می‌کند، بعضی وقت‌ها هم عنصر رسانه‌ای و بعضاً هم کیسه کشی در افکار عمومی را با چاشنی توجیه و محافظه کاری به عهده دارد و دعوا می‌کند در دفاع از رئیسش.

■ واقعیت مقاومت را نمی‌توان انکار کرد

غلامعلی حداد عادل هم توئیت کرد: حوادث اخیر فلسطین اشغالی نشان داد که مقاومت در منطقه به یک واقعیت انکار ناپذیر تبدیل شده و ترامپ نمی‌تواند با جنجال علیه ایران این واقعیت را انکار کند.

■ هنرمند فقط سینمایی‌ها!

صادق نیکو می‌نویسد: اسمش دیدار رئیس‌جمهور با اهالی فرهنگ و هنره ولی هرسال سهم دعوت شدگان نشون میده روحانی از هنر گویا فقط سینما رو به عنوان هنر قبول داره و از عوامل سینما فقط بازیگرهاش رو دعوت می‌کنه!

■ وحدت اعتدالی بر محور اعتراض اقتصادی!

محمدجواد محمدزاده هم نوشته: اعتدال برای چرخاندن چرخ کارخانه‌ها اومده بود؛ اما جز حامیان سیاسیش، همه اقشار جامعه به وضع اقتصاد معترضند.

از رهبری تا حزب‌اللهی‌ها و دلواپسان تا طبقه متوسط تا حتی سلبریتی‌ها و طبعاً مردم کوچه و بازار هم. اعتدال اگر تونسته باشه جامعه رو در موردی متحد کنه، بی‌عرضگی‌ش در اقتصاده!

گزیده خبر

بیانیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

مکتب سیاسی امام(ره) درس ایستادگی مقابل مستکبران است

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای به مناسبت سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) و سالروز قیام خونین ۱۵خرداد، تأکید کرد: مکتب سیاسی امام درس تسلیم‌ناپذیری و ایستادگی در مقابل مستکبران و ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلومان را به ما آموخت و این مقاومت و پایداری، ملت ما را در اوج افتخار و عزت ملی قرار داده است.

به گزارش مهر، در این بیانیه آمده است: ۱۴خرداد ماه یادآور اندوه ارتحال مردی بزرگ و شخصیتی کم نظیر است که با طهارت روح و قدرت و عظمت ایمانی خود انقلاب اسلامی ایران را محقق ساخت، انقلابی که یک تحول عمیق و پربرکت در عمل و اندیشه دینی، سیاسی و فرهنگی ملت ایران ایجاد کرد.

قوت ایمان و شخصیت صریح و صادق امام خمینی(ره) موجی خروشان در دل آحاد مردم ایران برانگیخت و تفکر و شریعت جامعه ساز و انسان ساز اسلام را به عرصه قدرت و حاکمیت رساند. لذا تشریح افکار و تمجید از این عالم بزرگ و این فقیه عارف، چراغ راه آینده انقلاب اسلامی خواهد بود.

تفکر امام و مکتب او باید همواره یادآوری و تکرار شود تا آرمان‌های بزرگ آن مرد الهی در هجوم تحریف‌ها و شبهه‌ها، غریب و متروک نگردد.

استقلال، آزادی، حاکمیت دین و عدالت به همراه عقلانیت از عناصر مهم آرمان و مکتب امام بود که توجه و مرور این عناصر و التزام علمی و عملی به این اندیشه‌ها تضمین کننده آینده انقلاب اسلامی است. مکتب سیاسی امام درس تسلیم ناپذیری و ایستادگی در مقابل مستکبران و ظلم ستیزی و حمایت از مظلومان را به ما آموخت و این مقاومت و پایداری، ملت ما را در اوج افتخار و عزت ملی قرار داده است. وصیتنامه و سخنان ایشان باید در ذهن و عمل مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی دیده شود و توصیه اکید امام بر توجه به کوخ نشینان و مستضعفان هرگز نباید فراموش شود.

این بیانیه تصریح کرده است: امروز در سایه هدایت‌ها و رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای «مدظله العالی» رفتار انقلابی و هویت انقلابی ما همچنان درخشنده و برقرار است و این را به تمام دنیا نشان داده است که امام ما و مکتب و تفکر او همچنان زنده و منشأ آثار بزرگ و ماندگار است.

یک نماینده اصولگرا تأکید کرد

حیات سیاسی لاریجانی ماندن در اردوگاه اصولگرایان

برخی مطرح می‌کردند لاریجانی در انتخابات بعدی ریاست جمهوری و بعد از روحانی در اردوگاه اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرد، خلاف این گفته ثابت شد و همگان دریافتند لاریجانی در اردوگاه اصولگرایان است، درواقع تنها راه حیات سیاسی علی لاریجانی باقی ماندن در اردوگاه اصولگرایان است.

حسن نوروزی عضو فراکسیون ولایی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با ایلنا در خصوص انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی و انتخاب علی لاریجانی برای بار یازدهم بر مسند ریاست مجلس گفت: ریاست علی لاریجانی را همه ما قبول داشته و داریم، کسی علم و تجربه او را برای اداره مجلس فعلاً ندارد.

وی با اشاره به اینکه برخی لاریجانی را در اردوگاه اصلاحات می‌دانستند اما در قامت اصولگرایی، تصریح کرد: شبهه‌هایی وجود داشت که لاریجانی ریاست خود را از اصلاح‌طلبان وام می‌گیرد، اما اتفاقات مجلس نشان داد لاریجانی ریاست خود را مدیون اصولگرایان است، چه مستقلین و چه ولایی‌ها. نماینده مردم رباط کریم در مجلس خاطرنشان کرد: حتی یک نفر هم از اصلاح‌طلبان و فراکسیون امید به لاریجانی رأی ندادند، همه یک طرف ایستادند و لاریجانی و اصولگرایان در یک طرف.

این نماینده اصولگرای مجلس با اشاره به اینکه با انتخابات هیئت رئیسه مجلس مرزبندی‌ها تعیین شد، گفت: لازم بود مرزهایی ایجاد شود تا بعضی تکلیف‌ها مشخص شود، این اتفاق رخ داد. وی تصریح کرد: بعضی از اصولگرایان مکدر بودند که چرا وقتی زحمت بسیاری می‌کشند لاریجانی نمی‌بیند، اما امروز لاریجانی متوجه شد اگر اصولگرایان او را حمایت نمی‌کردند در دوره دهم اجلاسیه سوم مجلس شورای اسلامی ریاست مجلس به او تعلق نداشت.

نوروزی تأکید کرد: برخی مطرح می‌کردند لاریجانی در انتخابات بعدی ریاست جمهوری و بعد از روحانی در اردوگاه اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرد، خلاف این گفته ثابت شد و همگان دریافتند لاریجانی در اردوگاه اصولگرایان است، در واقع تنها راه حیات سیاسی علی لاریجانی باقی ماندن در اردوگاه اصولگرایان است.